

نورد استریم؛ سلاح ژئوپلیتیک بحران اوکراین

مریم عبادی^۱

نسرین مصفا^۲

چکیده

به‌رغم اهمیت ژئوپلیتیک اوکراین برای روسیه مخصوصاً بعد ژئوپلیتیک انرژی به دلیل خط لوله گاز عبوری از این کشور جهت انتقال گاز روسیه به اروپا، اما تمایلات غرب‌گرایانه اوکراین و بحران‌های گازی به وجود آمده در سال‌های مختلف باعث شده تا روسیه بکوشد با ایجاد تأسیسات نورد استریم علاوه بر ارائه گزینه جایگزین، از آن به‌عنوان ابزاری در مقابل اقدامات اوکراین استفاده کند. با توجه به این موضوع، سؤالی که مطرح می‌شود این است که نورد استریم چگونه می‌تواند به‌عنوان سلاحی علیه اوکراین به کار گرفته شود. در همین راستا این فرضیه مطرح می‌شود که روسیه با اعمال محرومیت ترانزیتی ناشی از جایگزینی خطوط لوله عبور با تأسیسات نورد استریم و به تبع آن تضعیف موقعیت اقتصادی و آسیب‌پذیری امنیتی خطوط لوله را به اهرم فشاری علیه اوکراین تبدیل کرده است. بررسی‌ها حاکی از آن است که نورد استریم با نادیده گرفتن اوکراین باعث محروم شدن این کشور از میلیاردها دلار درآمد ناشی از حق ترانزیت می‌گردد و همچنین باعث از بین رفتن عامل بازدارنده راهبردی بزرگی می‌شود که همواره مانع تشدید تهاجم روسیه علیه این کشور می‌شده است. همچنین این تأسیسات در روابط روسیه و اروپا بعد از تجاوز این کشور به اوکراین به‌عنوان اهرم فشار ژئوپلیتیک طرفین علیه یکدیگر به کار گرفته شد.

واژگان کلیدی:

خطوط لوله گاز، محرومیت ترانزیتی، امنیت انرژی، سلاح ژئوپلیتیک.

درجه مقاله: علمی - پژوهشی

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۲/۲۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۱/۲۶

^۱ فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران، جمهوری اسلامی ایران. mebadi.mails@yahoo.com

^۲ نویسنده مسئول و استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران، جمهوری اسلامی ایران. nasrin.mosaffa@gmail.com

مقدمه

وضعیت ژئوپلیتیک اوایل قرن بیست و یک رونق جدیدی به مطالعات اصول ساختار منطقه‌ای فضای ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی منطقه اوراسیا داده است (Tsygankov, ۲۰۱۰). معادلات و روند تحولات در این منطقه همواره متأثر از رقابت‌های درون منطقه‌ای و منافع راهبردی قدرت‌های خارج از منطقه و همسایه بوده است. طوری که جفری مکنف در کتاب امپراطوری‌های اوراسیا به این موضوع اشاره می‌کند که اوراسیا بعد از جنگ سرد قاره‌ای است که کمتر از دولت‌ها و بیشتر از مناطق تشکیل شده است، جایی که «سیاست‌های بزرگ و قدرتمند» و قدرت‌های بیرونی مانند روسیه، اتحادیه اروپا و ایالات متحده برای نفوذ بر دولت‌های کوچک‌تری که بین آنها قرار دارند، رقابت می‌کنند (Brotman, 2022). با تشدید رقابت میان آنها این مناطق و کشورهای واقع در آن با فشار سیستمی مواجه می‌شوند (Korolev, 2022). از میان کشورهای واقع در این منطقه اندک کشورهایی به مانند اوکراین برای رقابت قدرت‌های رقیب در قرن بیست و یکم نقش محوری داشته‌اند (Brotman, 2022). درگیری‌های همیشگی در این کشور که در منطقه برخورد دو پروژه ژئوپلیتیکی شرق و غرب قرار گرفته است (Korolev, 2022)، اهمیت آن را برای جاه‌طلبی‌های قدرت‌های رقیب آشکار می‌سازد. وضعیت ژئوپلیتیک اوکراین، بازی با حاصل جمع صفر بین روسیه و غرب ایجاد کرده است؛ طوری که وقتی روس‌ها اعلام کردند، مسکو حوزه سنتی منافع را مشخص نموده است، آمریکایی‌ها این ادعا را رد کرده و معتقد بودند که هر کشوری را که حوزه نفوذ داشته باشد به رسمیت نخواهند شناخت. (Korolev, 2022)

اهمیت راهبردی اوکراین را برای روسیه نمی‌توان نادیده گرفت. میل روسیه برای جذب غیرقابل بازگشت اوکراین مخصوصاً اوکراین شرقی در قلمرو مورد نظر خود را می‌توان به دو عامل دسترسی به بنادر آب گرم و گسترش و حفاظت از موقعیت سرزمینی مرتبط دانست. در دنیای جهانی شده کنونی که توانایی تجارت آسان، نفوذ اقتصادی و قدرت را به همراه دارد، برای کشوری مانند روسیه با چنین قلمرو وسیعی که دسترسی مناسبی به مسیرهای دریایی و تجارت را ندارد و بسیاری از بنادر آن در طول سال منجمد هستند، موقعیت ژئوپلیتیک اوکراین یک قطعه گمشده در پازل راهبردی روسیه به شمار می‌آید که دسترسی به مسیرهای کشتیرانی را فراهم کرده و به ارتش روسیه اجازه می‌دهد تا کنترل دریای سیاه و فراتر از آن را افزایش دهد (Sharpe, 2022).

از همین رو روسیه همواره کوشیده تا با حضور نظامی پررنگ و گسترده در آنجا بتواند قدرت خود را در اعماق دریای مدیترانه، خاورمیانه و شمال آفریقا که به‌طور سنتی نفوذ محدود دارند، ایجاد کند و موقعیت خود را به قدرت بزرگ در شمال اوراسیا بازگرداند. با وجود اهمیت اوکراین برای روسیه اما این کشور طی سه دهه از استقلال به دنبال ایجاد مسیر خود به‌عنوان یک کشور مستقل با گرایش‌های غربی و هم‌سویی بیشتر با نهادهای غربی از جمله اتحادیه اروپا و ناتو بود. اوکراین علی‌رغم عدم عضویت در ناتو اما روابط خود را با این سازمان امنیتی افزایش داده و مانورهای نظامی سالانه با آن برگزار کرد طوری که در سال ۲۰۲۰ به یکی از شش شریک فرصت‌های پیشرفته این سازمان تبدیل شد که موقعیت ویژه‌ای برای نزدیک‌ترین متحدان غیربلوک به‌شمار می‌آید (Masters, 2023).

عدم تسلط بر اوکراین و قرار گرفتن این کشور در مدار غرب از نظر سیاسی ضربه بزرگی برای اعتبار بین‌المللی روسیه تلقی می‌شود. به همین دلیل تلاش‌های متعددی در جهت تضعیف این کشور انجام داد که یکی از این تلاش‌ها که در سال‌های اخیر بسیار مورد توجه بوده، ایجاد تأسیسات جایگزین انتقال انرژی از طریق احداث خطوط دوگانه لوله نورد استریم در مسیر دریای بالتیک است. این خطوط لوله که با صرف هزینه‌های هنگفت و مخالفت‌های فراوان ایجاد شده‌اند، ابتداء به‌عنوان جایگزینی برای تأسیسات فرسوده خطوط انتقال گاز از طریق اوکراین مطرح بودند؛ اما تحلیل‌گران آن را به‌عنوان اهرم فشار روسیه بر علیه گرایش‌های غرب‌گرایانه اوکراین تعبیر می‌کردند. به‌این ترتیب این سؤال مطرح می‌شود که نورد استریم چگونه می‌تواند به‌عنوان یک سلاح به کار گرفته شود. در پاسخ به سؤال مذکور این فرضیه مطرح می‌گردد که محرومیت ترانزیتی ناشی از جایگزینی خطوط لوله عبور با تأسیسات نورد استریم باعث آسیب‌پذیری اقتصادی و امنیتی می‌شود.

چارچوب نظری. تفکر ژئوپلیتیکی سنتزی تاریخی و نظری است. "ژئوپلیتیک شبکه ارتباطی مبارزات و تعامل کنش‌گران و سازمان‌های مختلف را که در نظام متحول بین‌الملل ایفای نقش می‌کنند و بر آن تاثیرگذار هستند، در فضای جغرافیایی بررسی می‌کند. کارکرد این حوزه به‌عنوان یک علم چند رشته‌ای است که با توجه به موضوع و جهت فعالیت نظریه‌های روابط بین‌الملل به جنبه‌های فضایی و تا حدی جغرافیایی آن می‌پردازد، کشف چشم-اندازهای جدید و طرح پرسش پیرامون مسایلی است که تصور می‌شد در دوره‌های تاریخی حل و فصل شده‌اند (Bertalan, ۲۰۱۴). مشهورترین ترجمه فرضیه ژئوپلیتیک به واقعیت ژئوپلیتیکی، نظریه هارتلند مکیندر است (Sharpe, 2022).

مکیندر به‌عنوان بنیان‌گذار مطالعات جغرافیایی مدرن و پیش‌گام علم جغرافیا، فرآیندهای تاریخی جهان را بر اساس این ایده تفسیر کرد که جهان ذاتاً به مناطق مجزا تقسیم شده است و هریک از این مناطق کارویژه‌ای انجام می‌دهند. مکیندر با آگاهی از ماهیت نسبی مفهوم موقعیت مرکزی، خاطرنشان کرد که در چارچوب فرآیندهای ژئوپلیتیک جهانی اوراسیا در مرکز جهان قرار دارد (Tsygankov, 2010). در مرکز آن محوریت جزیره‌ای قرار دارد که به‌عنوان هارتلند یا قلب جهان شناخته می‌شود. اصطلاح هارتلند به‌عنوان یک مفهوم ژئوپلیتیکی بر مکان یا فضای جغرافیایی دلالت دارد که از حیث نقش‌آفرینی سیاسی آن‌چنان قوی عمل کند که بتواند تأثیر جهانی داشته و سیاست‌های جهانی را متأثر سازد یا فرآیندهای سیاسی جهان را شکل دهد و یا اینکه مدعیان قدرت در مقیاس‌های جهانی، منطقه‌ای و محلی برای کنترل و تسلط بر آن به رقابت بپردازند تا بتوانند سلطه و اقتدار خود را بر سیاست‌های دیگران در این مقیاس‌ها حفظ نموده و ارتقا دهند (حافظ‌نیا: ۱، ۱۳۸۶). بر اساس دکتین او بازیگر ژئوپلیتیکی که بر هارتلند مسلط است، پتانسیل ژئوپلیتیکی و اقتصادی لازم برای کنترل جزیره جهانی و نهایتاً جهان را در اختیار دارد.

این اصطلاح که به‌منظور توصیف بخش‌های وسیعی از آسیای مرکزی و قفقاز و بخش از اروپای شرقی به کار می‌رود از ویژگی‌هایی همچون دسترسی آسان به دریا و اشراف بر کانال‌ها، تنگه‌های مهم و نقاط گلوگاه ترافیک دریایی شرایط پایداری برای توسعه قدرت‌های نظامی و صنعتی برخوردار است (Dimitrios, 2015). هنگامی که گستره ژئوپلیتیکی به شکل سیستمی از دوایر متحدالمرکز توصیف می‌شود، به‌طور متعارف محور در مرکز سیاره زمین قرار دارد. (Tsygankov, 2010) به این ترتیب، در نظریه مذکور جغرافیا و سیاست هم به معنای واقعی کلمه و هم به صورت مجازی درهم می‌آمیزد. در معنای واقعی کلمه به این موضوع اشاره می‌کند که اوراسیا از نظر راهبردی سودمندترین موقعیت جغرافیایی است و به صورت مجازی بر مرکزیت اوراسیا تأکید می‌کند (Bertalan, 2014).

در واقع معروف‌ترین جمله مکیندر این است آنکه اروپای شرقی را اداره کند بر هارتلند فرمان می‌دهد و آنکه بر هارتلند حکومت کند جزیره جهانی را فرمان می‌دهد و آنکه جزیره جهانی را حکمرانی کند، بر جهان فرمان می‌دهد.

به‌رغم آنکه بسیاری از نظریه‌های ژئوپلیتیک در پایان جنگ سرد منسوخ شده‌اند، اما شرایط سال‌های اخیر نظام بین‌الملل، مخصوصاً منطقه اوراسیا رونق جدیدی به مطالعات اصول ساختاری منطقه بخشیده است. آنها رویکردهای بسیار بدیعی را برای ساختارسازی

ژئوپلیتیک منطقه‌ای اوراسیا و شناسایی ارزش عملکردی فضای جغرافیایی آن ارائه کردند (Tsygankov, ۲۰۱۰). طوری که برای درک ماهیت سیاست بین‌الملل در منطقه اوراسیا به سختی می‌توان از اهمیت مطالعه اصول ساختارسازی منطقه‌ای فضای ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک اجتناب کرد (Chowdhury & Kafi, 2015).

مفهوم هارتلند هم به لحاظ اهمیت و نقش آفرینی سیاسی و هم به لحاظ تطبیق فضایی - مکانی در بستر زمان ثابت نبوده و متغیر است (حافظ‌نیا، ۱۳۸۶:۱). در قرن بیستم هارتلند جهان، آسیای مرکزی بود. فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱ در پی استقلال کشورهای آسیای مرکزی بود. ظهور این جمهوری‌های جدید هسته مدرن حوزه محوری تز مکیندر را تشکیل می‌دهد. استدلال مکیندر این بود که منطقه وسیع آسیای مرکزی از دیر باز محور جغرافیایی تاریخ بود و محور سیاست جهان باقی خواهد ماند. منطقه‌ای که در بهترین موقعیت ژئوپلیتیکی قرار دارد و به قدرت قاره‌ای که بر آن کنترل دارد این امکان را می‌دهد تا هم از اقدام خصمانه‌ای که از سمت دریا می‌آید، جلوگیری کند و هم از تمام مسیرهای حمل‌ونقل زمینی بهره‌گیرد. به گفته وی، روسیه که در حال حاضر به مرکز (قلب) سه قاره مختلف (اروپا-آسیا و آفریقا) بسیار نزدیک است، پیش‌نیازهای بسیاری را پوشش می‌دهد. در صورتی که حوزه نفوذ خود را به سواحل 'گرم' اوراسیا گسترش دهد، ترکیبی از منابع عظیم و دسترسی آزاد به مسیرهای تجاری اصلی، چشم‌انداز یک امپراتوری جهانی را قابل مشاهده خواهد کرد (Dimitrios, ۲۰۱۵).

خطوط ترانزیت گاز و چالش‌های روسیه و اوکراین

در تحلیل‌های ژئوپلیتیک کلاسیک تسلط بر مهم‌ترین منابع طبیعی، تسلط بر جهان به شمار می‌آید. با جهانی‌شدن اقتصاد پتانسیل‌های ژئواکونومیک در کنار موقعیت ژئوپلیتیک عامل تعیین‌کننده محسوب می‌شود. یکی از این ظرفیت‌های ژئوپلیتیک موقعیت جغرافیایی کشور جهت ترانزیت کالا و خدمات است که بارزترین مصداق آن خطوط انتقال انرژی است. اوکراین از جمله کشورهایی است که عامل ژئوپلیتیک به طور عام و ژئوپلیتیک انرژی به طور خاص در حوزه اقتصادی موقعیت ویژه‌ای را برای این کشور رقم زده است. خاک اوکراین نقش بسیار مهمی در انتقال منابع انرژی روسیه مانند گاز به سمت غرب از طریق خطوط لوله ایفا کرده است. در واقع اکثریت قریب به اتفاق این منابع ارزشمند با عبور از خاک اوکراین هم به بازار محلی و هم به بازار همیشه تشنه انرژی اروپا منتقل شده است (Dimitrios, 2015).

بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و تا قبل از ایجاد زیرساخت‌های گسترده انرژی و خطوط متعدد زمانی که فدراسیون روسیه جدید در دهه ۱۹۹۰ به شدت در تنگنای نقدینگی قرار داشت و مسیر دیگری برای انتقال گاز روسیه به اروپای غربی وجود نداشت (Wyrebkowski & Babinski, 2022)، مسکو برای چندین دهه جهت انتقال گاز خود به مشتریان در اروپای مرکزی و شرقی به خطوط لوله اوکراین متکی بود که بزرگ‌ترین سیستم خط لوله انتقال گاز در جهان را پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی به ارث برده بود و مسیر اصلی انتقال گاز طبیعی روسیه به اروپا محسوب می‌شد. طوری که تا اواخر دهه ۱۹۹۰ بیش از ۹۰٪ گاز روسیه از طریق خطوط لوله دوران شوروی در اوکراین به اروپا منتقل می‌شد. (National Security Fund, 2016)

بررسی نقشه پراکندگی خطوط لوله گاز در این دوران حکایت از آن داشت که اروپا با شبکه گسترده‌ای از خطوط لوله گاز پوشیده شده بود و چندین خط لوله برای انتقال گاز از میادین تولید روسیه وجود داشت که ظرفیت کل آنها ۲۰۱ میلیارد مترمکعب بود که ۷۵٪ آنها از اوکراین و ۲۵٪ از طریق بلاروس عبور می‌کرد (Luvsan-Ochiriyn, 2011). این خطوط لوله نه تنها برای گاز روسیه در دسترس بود بلکه این امکان را برای اروپا فراهم می‌کرد تا میزان زیادی گاز را از کشورهای آسیای مرکزی مانند ترکمنستان، ازبکستان و قزاقستان دریافت کند.

به این ترتیب اوکراین گره تاریخی ترانزیت نفت و گاز روسیه به اروپا بوده است که از سال ۱۹۶۴ با خط لوله نفت دروژبا آغاز شد. پس از آن سه خط لوله اصلی گاز (برادی، سایوز و ترانس بالکان) از طریق اوکراین ساخته شد که آن را برای امنیت تقاضا و ترانزیت انرژی اتحاد جماهیر شوروی در دهه ۱۹۸۰ ضروری کرد. انحلال اتحاد جماهیر شوروی این جریان را به خطر نینداخت، به‌رغم آنکه تولید گاز روسیه در این مدت کاهش یافته بود (Hunter & Leech, 2022).

از آنجایی که گاز طبیعی به‌عنوان حوزه‌ای است که از مرزهای منطقه‌ای یا زیر منطقه‌ای عبور می‌کند، به همین دلیل روابط و دیپلماسی گاز می‌تواند به یک حوزه (ژئو) سیاسی و نه صرفاً اقتصادی - راهبردی تبدیل شود. عبور مسیرهای حمل‌ونقل گاز از کشورهای صعب‌العبور زمینه‌های راهبردی علاقه به تجاری‌سازی تجارت گاز را فراهم کرده و به‌طور مستقیم جریان‌های گاز را به سطح منافع راهبردی اقتصادی و گاهی سطح ژئوپلیتیک ارتقا می‌دهد. (Ydreos, 2012)

از نظر زیرساخت، خط لوله ترانزیت از طریق قلمرو کشور ثالث در شرایطی اتفاق می‌افتد که دو کشور درگیر به طور مستقیم با یکدیگر در ارتباط نباشند. به این ترتیب کشور ترانزیت پیوند فیزیکی مهمی در زنجیره ارزش گاز دارد و باید منافع آن از نظر عواملی مانند هزینه‌های ترانزیت و حق امتیاز تضمین شود. گاهی اوقات ممکن است منافع اقتصادی و امنیتی کشورهای ترانزیتی لزوماً با منافع کشورهای صادرکننده واردکننده منطبق نباشد و وسوسه شوند که از امتیاز ترانزیت برای حفظ منافع سیاسی و اقتصادی خود استفاده کنند و یا موانع قابل توجهی ایجاد کنند طوری که لزوم ترانزیت از طریق کشور ثالث به‌عنوان خطر سیاسی قلمداد گردد (Ydreos, 2012, pp. 94-95).

اوکراین به‌عنوان یک کشور ترانزیتی از قاعده بهره‌گیری از موقعیت ترانزیتی خود برای کسب منافع سیاسی و اقتصادی مستثنی نبود و در شرایطی که در دهه ۱۹۹۰ وضعیت به‌گونه‌ای بود که تقریباً وابستگی کامل به مسیر اوکراین جهت تحویل گاز روسیه به اوکراین به وجود آمده بود، در برخی از مناقشات در دهه اول قرن بیست و یک که ناشی از اختلاف قیمت بود اوکراین تلاش کرد تا توان ترانزیتی خود را به امتیازات قیمت گاز و سایر مزایای غیربازاری در عرضه گاز تبدیل کند. برخی از این اختلافات در مقیاس کوچک بودند، اما برخی دیگر به مناقشات تمام عیار تبدیل شدند مانند بحران‌های سال ۲۰۰۶ و ۲۰۰۹ که باعث اختلال در جریان ترانزیت گاز از مسیر اوکراین به مشتریان اروپایی شد. (National Security Fund, 2016)

بحران سال ۲۰۰۹ پیچیده‌ترین موردی بود که کی‌یف تلاش کرد موقعیت خود را در ترانزیت گاز به اروپا افزایش دهد. از سال ۱۹۹۱ تقریباً برای ۱۸ سال گاز پروم و شرکت نفت و گاز هر سال در مورد شرایط عرضه گاز روسیه به اوکراین به توافق می‌رسیدند. اساساً روسیه گاز را برای مصارف داخلی اوکراین و ترانزیت به مشتریان اروپایی روسیه تأمین می‌کرد. در مقاطع مختلف، گاز طبیعی برای پرداخت‌های ترانزیتی و با تخفیف‌های قابل توجه در مقایسه با قیمت گاز صادراتی به کشورهای اروپایی همسایه به اوکراین فروخته می‌شد. در پایان سال ۲۰۰۸، زمانی که توافقنامه تأمین گاز به اوکراین در آستانه پایان یافتن بود، دو طرف نتوانستند توافق جدیدی را تا ۳۱ دسامبر نهایی کنند. در نتیجه، گاز پروم مجبور شد صادرات گاز به اوکراین را به دلیل عدم وجود هرگونه مبنای قراردادی متوقف کند. با این حال، گاز پروم به پمپاژ مقادیر مورد نیاز گاز طبیعی به اروپا ادامه داد تا به تعهدات قراردادی خود در قبال مشتریان اروپایی خود عمل کند (National Security Fund, 2016).

اوکراین هیچ‌گاه برای ایجاد اعتبار به‌عنوان یک شریک قابل اعتماد، اقدامات سازنده‌ای انجام نداد. حتی هنگامی که در سال ۲۰۰۹ بعد از نقض تعهد ترانزیتی که در دوران ۵۰ ساله عرضه گاز روسیه به اروپا بی‌سابقه بود، اولین قرارداد مشترک طولانی‌مدت برای تأمین و انتقال گاز بین روسیه و اوکراین امضا شد و توافقات محکم با مفاد دقیق درمورد تعهدات متقابل، فرمول‌های قیمت برای تأمین گاز، هزینه ترانزیت و روش اختلاف در داوری بین‌المللی منعقد شد که امکان حفظ انتقال گاز روسیه به اروپا در مواقع دشوار را فراهم می‌کرد. اوکراین در نقطه مقابل با درپیش گرفتن سیاست‌های منفی باعث به مخاطره افتادن امنیت انرژی در روسیه و اروپا شد؛ از جمله این اقدامات می‌توان به اعمال یک‌جانبه تحریم‌ها دولتی بر جریان انتقال گاز روسیه، اعمال تعرفه‌های جدید و پیش‌بینی نشده در قرارداد مثل ۲۰٪ مالیات ارزش افزوده بر خدمات ترانزیتی و جریمه‌های ضدتراست ۲۰۱۶ کمیته ضد انحصار اوکراین بر علیه شرکت گازپروم به‌عنوان خریدار انحصاری خدمات ترانزیت از شرکت نفت و گاز اوکراین اشاره کرد که به دولت اوکراین این امکان را می‌داد تا هر زمان که بخواهد اعلام نماید که گازپروم هزینه کمی برای خدمات حمل‌ونقل می‌پردازد و یا باید برای جریمه ضدتراست هزینه بپردازد. در چنین شرایطی اوکراین می‌توانست اقدامات قانونی را علیه گازپروم انجام دهد و دارایی اصلی این شرکت که همان جریان گاز به اروپا است را تحت پیگرد قانونی قرار دهد (National Security Fund, 2016).

انباشته شدن مسائل فنی قابل توجه در زیرساخت اوکراین و عدم تلاش برای حل آنها در طول چندین دهه گذشته، اتکاء به زیرساخت‌های مذکور را به‌عنوان مسیر اصلی ترانزیت گاز در درازمدت برای روسیه به‌عنوان فرستنده و اتحادیه اروپا به‌عنوان مصرف‌کننده غیرممکن ساخته است. درجه بالای فرسودگی تأسیسات حمل‌ونقل گاز اوکراین از جمله سیستم انتقال گاز که بخش زیادی از آن در دوره اتحاد جماهیر شوروی ساخته شده، کاملاً مشهود بود که به معنای خطر بالای شکستگی و ترکیدگی لوله‌ها بود؛ طوری که سه خط لوله اصلی گاز صادراتی که برای انتقال گاز روسیه مورد استفاده قرار می‌گیرد، عمر مفیدشان در ۲۰۲۰ به پایان رسیده است و تاکنون سرمایه‌گذاری کافی برای مدرن‌سازی آنها صورت نگرفته است (National Security Fund, 2016).

بی‌ثباتی در این کشور خطرات ذاتی را به همراه دارد، به حدی که حتی تهدید به حملات توسط رادیکال‌های مسلح در اوکراین وجود داشته است. طوری که رهبر جنبش سیاسی

بخش راست علناً خواستار منفجر کردن خطوط لوله گاز ترانزیت شد تا مانع از این بشوند که روسیه به درآمدی‌های حاصل از صادرات گاز دست یابد (National Security Fund, 2016). اوکراین در دهه ۱۹۹۰ با اینکه بیشتر گاز روسیه برای بازارهای اروپایی از طریق مسیر ترانزیتی خاک این کشور انتقال می‌یافت اما به دلایل سیاسی شروع به ایجاد رابطه با همسایگان غیرروسی کرد. به همین دلیل هنگامی که پوتین در سال ۲۰۰۰ قدرت را به دست گرفت، کوشید تا یک بار دیگر تسلط روسیه را بر گستره سابق خود برقرار کند. از دست دادن اوکراین انگیزه‌ای برای روسیه بود تا عدم اطمینان و ناتوانی این کشور را در تأمین ترانزیت ایمن فاش کند.

روسیه برای اجتناب از اختلافات دوجانبه با اوکراین که بر روابط انرژی این کشور با شرکای اروپایی‌اش تأثیر سوء می‌گذاشت همواره در صدد بود تا از اوکراین دور شود (Kapoor, 2020) تا از وابستگی بیش از حد به یک کشور جهت حمل‌ونقل گاز جلوگیری شود. از همین روی از سال ۱۹۹۹ با تکمیل خط لوله گاز یامال-اروپا از طریق بلاروس که اوکراین را دور می‌زد شروع به تقویت موقعیت خود کرد و بنیان راهبردهایی را نهاد که با انقلاب نارنجی ۲۰۰۴-۲۰۰۵ اوکراین اجرا شد و همچنین با ایجاد خطوط لوله نورد استریم (جریان شمالی) و سوت استریم (جریان جنوبی) کوشید تا مسیر صادرات خود را متنوع سازد (Ediger, Bowlus, 2020).

مسیر این خطوط لوله - نورد استریم و ترک استریم - که در طی ۲۰ سال گذشته توسعه یافته‌اند (Iyer, 2022) از بستر دریای بالتیک می‌گذرد و به طور مستقیم گاز را به اروپا انتقال می‌دهد. دفاعیه اصلی روسیه از انتقال مستقیم انرژی این است که جریان مستقیم می‌تواند واسطه‌ها یا کشورهای ترانزیتی را که باعث ایجاد اختلال در فرایند عرضه می‌شوند و یا سیاست را بالاتر از تجارت قرار می‌دهند، نادیده می‌گیرد (Shea, 2021). به-طور مشابه اروپا نیز ترجیح می‌دهد که مسیر انتقال گاز از مسیری باشد که نسبت به مسیر قدیمی و طولانی اوکراین، کوتاه‌تر، ارزان و کمتر در معرض آسیب باشد (Seddon, Astrasheuskaya, & Chazan, 2022) و عرضه گاز به دلیل تنش‌های روسیه و اوکراین متوقف نشود. چرا که ترتیبات حمل‌ونقل گاز از طریق اوکراین بارها منجر به وضعیت‌های دردسرساز شده است و تنش‌های روسیه و اوکراین بر امور انرژی اروپا تأثیر منفی داشته طوری که در بحران انرژی سال ۲۰۰۹ به دلیل اختلافات قیمتی در قرارداد بین شرکت گاز

پروم روسیه و شرکت نفت و گاز اوکراین به وجود آمده بود، روسیه عرضه گاز به آسیای مرکزی و اروپای غربی را به مدت بیش از ۲۰ روز متوقف کند. (Iyer, 2022)

خطوط لوله نورد استریم

انرژی - و به‌ویژه سوخت‌های فسیلی - به عامل کلیدی در شکل‌دهی روابط و منافع سیاسی و اقتصادی بین‌المللی تبدیل شده است. بسیاری از ناظران پیش‌بینی می‌کنند که در سال‌های آینده سوخت‌های فسیلی و انتقال آنها یکی از عوامل سلطه در سیاست بین‌الملل خواهد بود. درک این موضوع که سوخت‌های فسیلی محدود، خط حیاتی اقتصادهای مدرن را تشکیل می‌دهند، کنترل و دسترسی به این منابع را در دستور کار کشورهای صنعتی و صنعتی قرار داده است. در دنیایی که نیاز به تطبیق‌پذیری و منابع انرژی سازگار با محیط زیست زیاد است، گاز با وجود پیچیدگی‌های ژئوپلیتیکی تجارت گاز، از موقعیت خوبی برخوردار است که سوخت انتخابی بسیاری از اقتصادها باشد. این واقعیت به گاز ارزش اقتصادی و راهبردی خاصی می‌بخشد که هم دولت‌ها و هم شرکت‌ها به دنبال استخراج آن باشند. (Ydreos, 2012, p. 8)

گاز طبیعی به‌عنوان زیست محیطی‌ترین سوخت فسیلی که در بسیاری از نقاط جهان یافت می‌شود، در توسعه راهبردی بخش انرژی اروپا و سیاست انرژی این قاره که مبتنی بر توسعه بازار انرژی پایدار و رقابتی است نقش کلیدی ایفا می‌کند (Ydreos, 2012, p. 8). اتحادیه اروپا بازار رو به رشد برای تأمین‌کنندگان گاز خارجی است و احتمالاً وابستگی به واردات گاز از ۵۰ درصد در سال ۱۹۹۰ به بیش از ۸۰ درصد تا سال ۲۰۳۰ افزایش خواهد یافت. کاهش نرخ تولید گاز بومی و مزیت نسبی گاز در ترکیب سوخت پایدارتر نسبت به سایر تولیدات انرژی فسیلی و هسته‌ای همچنان پتانسیل رشد در بازارهای اتحادیه اروپا برای واردات بیشتر گاز را فراهم می‌کند. آنچه مسلم است واردات رشد خواهد کرد، دامنه نرخ رشد بسیار متفاوت است، که امنیت تقاضا را از بین می‌برد. این تنوع در دامنه نرخ رشد واردات گاز طبیعی از یک سو به دلیل سیاست‌های تغییرات آب و هوایی اتحادیه اروپا است که به‌عنوان سیاست ۲۰-۲۰-۲۰ شناخته می‌شود و محدودیت‌هایی بر سوخت‌های فسیلی تحمیل می‌کند و از سوی دیگر به دلیل سیاست‌های امنیت عرضه کشورهای مختلف عضو و نگرانی‌های ناشی از افزایش امنیت عرضه است که بر تقاضای بالقوه گاز تأثیر منفی می‌گذارد. (Ydreos, 2012, p. 32)

گاز روسیه همواره یکی از ارزان‌ترین و مطمئن‌ترین منابع تأمین انرژی برای کشورهای اروپایی بوده است (Shea, 2021). در سال ۲۰۲۰ در حالی که تولیدات کشورهای اروپایی صرفاً ۴۲٪ درصد از نیازهای آنها به منابع انرژی را تأمین می‌کرد، این کشور ۵۸٪ از انرژی مصرفی خود را از طریق واردات تأمین کردند که ۳۵٪ آن نفت و فرآورده‌های نفتی، ۲۴٪ گاز طبیعی، ۱۷٪ انرژی‌های تجدید پذیر، ۱۳٪ انرژی هسته‌ای و ۱۱٪ سوخت‌های فسیلی بود. در این سال روسیه همچنان تأمین‌کننده اصلی گاز طبیعی، نفت و ذغال سنگ مورد نیاز کشورهای اروپایی بود و ۲۴٪ از انرژی مورد نیاز کشورهای اتحادیه اروپا را تأمین می‌کرد. گاز طبیعی سوخت اصلی برای تولید برق و گرمایش در اتحادیه اروپا به شمار می‌رفت در سال ۲۰۲۰ اتحادیه اروپا ۴۶٪ از واردات گاز طبیعی خود را از روسیه انجام داد (Eurostate, 2022). روسیه در سال ۲۰۲۱ - تا قبل از استقرار و اقدامات نظامی علیه اوکراین - نیز بزرگ‌ترین تأمین‌کننده انرژی اتحادیه اروپا بود و ۴۸٪ گاز طبیعی مورد نیاز این کشورها را تأمین می‌کرد (Eurostate, 2023).

اروپا به گاز روسیه احتیاج دارد؛ زیرا قبل از آنکه منابع انرژی تجدیدپذیر مانند باد و خورشید را به‌اندازه کافی توسعه داده باشد، اقدام به جایگزین کردن نیروگاه‌های هسته‌ای و زغال‌سنگی از کارافتاده کرده است (Seddon, 2022). آلمان به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین اقتصادهای اتحادیه اروپا در دوره انتقال از سوخت‌های فسیلی و هسته‌ای سوخت گاز را به‌عنوان پلی به سوی منابع انرژی تجدیدپذیر در نظر می‌گیرد. این کشور که با بستن چندین رآکتور هسته‌ای خود با تقاضاهای فزاینده داخلی برای انرژی مواجه و متعهد به کاهش سطح انتشار دی‌اکسیدکربن شده است به دنبال منابع پاک‌تر است. در این میان گاز طبیعی حداقل در کوتاه‌مدت یک انتخاب مناسب برای منابع انرژی پاک به شمار می‌آید، سوختی که روسیه به مقدار زیادی از آن را در اختیار دارد (Luvsan-Ochiriyin, 2011).

آلمان و روسیه همواره مشارکت قوی در زمینه انرژی داشته‌اند. آلمان در سال‌های اخیر به واردات حجم زیادی از گاز روسیه ادامه داده است حتی در جریان اقدام روسیه در سال ۲۰۱۴ و بحران کریمه دولت آلمان شراکت انرژی با مسکو را از طریق دور ننگ داشتن بخش انرژی از تحریم‌ها حفظ کرد (Gautam, 2022). آلمان همواره در تلاش برای توسعه زیرساخت جهت اطمینان از انتقال گاز بود و اقدامات گسترده‌ای جهت تنوع بخشیدن به منابع تأمین انرژی اروپا انجام داده است. ساخت پایانه‌های جدید گاز طبیعی مایع در شمال آلمان و یا خطوط لوله نورد استریم در راستای همین تلاش‌ها بوده است.

در سال ۲۰۰۵ آلمان و روسیه قراردادی به ارزش بیش از ۶ میلیارد دلار برای ساخت نورد استریم امضا کردند. این خط لوله در امتداد دریای بالتیک دستگاہ کمپرسور وایپور در روسیه را به گریسنوالد در آلمان جهت انتقال گاز وصل می‌کرد (Iyer, 2022). در سال ۲۰۱۵ چند سال بعد از شروع کار خط لوله اصلی، آلمان جهت توسعه ظرفیت در این مسیر، قرارداد دیگری را تحت عنوان نورد استریم ۲ امضا کرد (Kirby, 2022). نورد استریم ۲ خط لوله گاز طبیعی به طول ۱۲۳ کیلومتر در دریای بالتیک است که از روسیه تا سواحل بالتیک در شمال آلمان امتداد دارد و خلیج ناروا در منطقه لنینگراد روسیه را به شهر ساحلی لومین در شمال آلمان متصل می‌کند (Szymczak, 2021). خط لوله ۱۱ میلیارد دلاری نورد استریم ۲ که پروژه مشترک شرکت گازپروم و پنج شرکت اروپایی است تکمیل کننده خط لوله نورد استریم ۱ است که در سال ۲۰۱۱ به بهره برداری رسیده بود و ظرفیت آن را جهت انتقال گاز روسیه به اروپای غربی دو برابر می‌کند و از ۵۵ میلیارد مترمکعب به ۱۱۰ میلیارد مترمکعب در سال می‌رساند (Belkin, 2022). نورد استریم برای آلمان به‌عنوان سرمایه‌گذاری راهبردی جهت تأمین انرژی آینده قلمداد می‌شود. (Luvsan-Ochiriyin, 2011)

خط لوله نورد استریم ۲ که توسط شرکت گازپروم روسیه اداره می‌شود، واردات گاز طبیعی روسیه به اروپا را به طور چشم‌گیری افزایش نمی‌دهد و فقط مسیر آن را تغییر می‌دهد؛ به طوری که گاز بیشتری مستقیماً به آلمان جریان می‌یابد و به‌طور بالقوه سایر خطوط لوله که از کشورهای اروپایی می‌گذرد را نادیده می‌گیرد. (Kirby, 2022) این تغییر مسیر در زنجیره تأمین، آلمان را به هاب گازی اروپا تبدیل می‌کند و این امکان را برایش فراهم می‌کند تا به‌عنوان مسیر ترانزیتی عمل کرده و درآمدهای حاصل از موقعیت راکسب کند.

اوکراین و نورد استریم

درحالی‌که اغلب نورد استریم به‌عنوان یک پروژه تجاری در نظر گرفته می‌شد؛ اما این پروژه برای کشورهای اروپای شرقی مخصوصاً اوکراین و لهستان که خواهان کاهش وابستگی به روسیه بوده و از احداث این خط لوله آسیب‌های اقتصادی و امنیتی بسیاری متحمل شده‌اند، معنای دیگری داشت. آنها همواره بر جنبه‌های ژئوپلیتیکی طرح تأکید داشته و نگرانی‌هایی را از این موضع بیان داشته‌اند. در همین راستا برخی بر این باور بودند که دلایل واقعی ایجاد نورد استریم در اعماق تاریخ آشفته بین روسیه و کشورهای بالتیک نهفته است

و می‌توان نورد استریم را نتیجه مشکلات اعتماد بین روسیه و کشورهای ترانزیتی و یا عدم توافق بر سر پروتکل ترانزیت دانست. (Luvsan-Ochiriyn, 2011)

برای اوکراین که در طی سالیان به‌عنوان مسیر اصلی ترانزیت خطوط لوله گاز روسیه به اروپا بوده است، نورد استریم تهدید وجودی در قالب پروژه ژئوپلیتیکی تلقی می‌شود که هدف راهبردی بلند مدت آن حذف این کشور از شبکه ترانزیت گاز اروپا و تضعیف دولت با ضربه زدن به بودجه آن است؛ (Rao, 2021) طوری که مقامات اوکراین بارها به‌این مساله اشاره کرده‌اند که تهدید تأسیسات جدید برای امنیت ملی اوکراین کمتر از سربازان روسی مستقر در مرزها نیست. (Gramer & Mackinnon, 2022) تحلیل‌گران نیز همواره بر خطر آن به‌عنوان سلاح ژئوپلیتیک روسیه برای تضعیف ثبات اقتصادی و راهبردی اوکراین تأکید داشته‌اند.

روسیه تلاش‌های متعددی برای تضعیف اوکراین با استفاده از انرژی به‌عنوان اهرم فشار انجام داد. قبل از انقلاب نارنجی، قیمت گاز فروخته شده در اوکراین به‌شدت توسط روسیه حمایت می‌شد. در سال ۲۰۰۵، مشتریان خانگی اوکراینی به طور متوسط تنها ۰.۳۶ دلار به ازای هر هزار متر مکعب گاز پرداخت کردند، در حالی که میانگین قیمت اتحادیه اروپا ۱۶۰ تا ۲۳۰ دلار برای هر متر مکعب گاز بود. با تغییر دولت اوکراین به دولت صراحتاً طرفدار غرب، روسیه عرضه گاز به اوکراین را به‌مدت سه روز از اول ژانویه ۲۰۰۶ قطع کرد و پس از مذاکرات توانست قیمت را به حدود ۱۰۰ دلار برای هر متر مکعب گاز برساند. مناقشات در مورد سطح قیمت‌ها، بازپرداخت بدهی‌ها و واسطه‌ها - همراه با تهدیدهای روسیه - ادامه یافت تا اینکه به بحران گاز در سال ۲۰۰۹ به اوج خود رسید، که در آن روسیه در اول ژانویه عرضه گاز به اوکراین را قطع کرد و سپس چهار روز بعد به‌طور قابل توجهی عرضه به اتحادیه اروپا را کاهش داد. (Wyrebkowski & Babinski, 2022)

نورد استریم که عنصر جدایی‌ناپذیر سیاست مسکو در قبال اوکراین را تشکیل می‌دهد (Rao, 2021) به‌گونه‌ای طراحی شده که این امکان را به روسیه می‌دهد تا با نادیده گرفتن اوکراین، جریان‌های گاز متفاوتی را برای اروپای شرقی و غربی ایجاد کند. (Gaouette, 2021) به‌این ترتیب با عملیاتی شدن این پروژه مسیر زنجیره تأمین تغییر خواهد کرد و اوکراین اهمیت خود را به‌عنوان کشور ترانزیت از دست می‌دهد (Iyer, 2022). بر اساس اعلام مرکز مطالعات راهبردی بین‌المللی، ترانزیت گاز روسیه از اوکراین در طی سه سال گذشته ۷۰ درصد کاهش یافته و از ۱۴۰ میلیارد مترمکعب در سال ۱۹۹۸ به کمتر از ۴۲ میلیارد مترمکعب در سال ۲۰۲۱ رسیده است (Fernandes, 2022). این به معنای از دست دادن

عایدی عظیمی است که از محل هزینه‌های ترانزیت برای انتقال گاز از طریق خاک اوکراین، نصیب این کشور می‌شد که به طور متوسط حدود ۲ تا ۳ میلیارد دلار بود که در حدود ۴ درصد از تولید ناخالص داخلی آن کشور را تشکیل می‌داد و منافع قابل توجه ترانزیتی را تضمین و فرصت‌های شغلی برای این کشور ایجاد می‌کرد. (Iyer, 2022) همچنین باعث آسیب‌پذیری آن در غیاب هرگونه اهرم نفوذ می‌شود (Kapoor, 2020).

اوکراین همواره خطوط لوله عبوری را تضمینی در مقابل روسیه می‌دانست که به‌عنوان عامل بازدارنده راهبردی بزرگ مانع از تشدید تهاجم نظامی روسیه علیه همسایه خود می‌شود (Schmitt, 2021) و معتقد بود تا زمانی که در مسیر انتقال گاز روسیه به اروپا قرار دارد، برای روسیه دشوار خواهد بود که جنگ را آغاز کند زیرا عرضه گاز تحت تأثیر قرار خواهد گرفت (Zimmermann, 2022). امیلی هالند، استادیار موسسه مطالعات دریایی روسیه در کالج جنگ نیروی دریایی ایالات متحده، گفت تصور این است که تا زمانی که این یک کریدور ترانزیت حیاتی برای عرضه کالاهای روسیه به بازار باقی بماند، روسیه احتمالاً کمتر مداخله می‌کند یا منبع ترانزیت را مختل می‌کند. (Kirby, 2022)

اروپا و نورد استریم

وابستگی ساختاری کشورهای اروپایی و کشورهای مستقل مشترک‌المنافع به گاز روسیه می‌تواند به توسعه قدرت ساختاری روسیه ترجمه شود. در نقطه مقابل به همان اندازه که اروپا به جریان گاز روسیه وابسته است این کشور نیز به جریان درآمد حاصل از صادرات به کشورهای عمدتاً اروپایی وابسته است.

روابط متناقض اروپا با روسیه در حوزه منابع انرژی، در دهه ۱۹۷۰ و در دوران تنش-زدایی که به طور موقت جنگ سرد را آرام کرده بود، آغاز شد. ایتالیا، فرانسه و آلمان غربی برای افزایش واردات هیدروکربن‌های شوروی اقدام و سرمایه و فناوری لازم را برای توسعه میادین نفتی سیبری فراهم کردند. با ایجاد شبکه خط لوله ای که اتحاد جماهیر شوروی را به اروپای غربی متصل می‌کرد و بحران انرژی ناشی از کارتل اوپک، روسیه به‌عنوان تأمین‌کننده اصلی انرژی اروپای غربی ظاهر شد (Wyrebkowski & Babinski, 2022)

علی‌رغم مزایای اقتصادی آشکار این رابطه برای اتحاد جماهیر شوروی و جانشین آن - فدراسیون روسیه - که هر دو از منابع انرژی برای سرمایه‌گذاری در پروژه‌های عظیم گازی استفاده کردند، خاطر مسکو هیچ‌گاه از موضوع توجه به رابطه انرژی خود با اروپا در شرایط

ژئوپلیتیکی آسوده نبوده است. دکترین سیاست خارجی مدرن روسیه به طور جدایی ناپذیری با تسلیح سازی صادرات انرژی مرتبط است. با اینکه اتحاد جماهیر شوروی حضور نظامی و سیاسی خود را از اروپای مرکزی خارج کرد، اما هیچ گاه از نفوذ خود در آنجا به طور کامل چشم پوشی نکرد. دیپلمات‌های شوروی والتین فالین و یولی کویتسینسکی جایگزینی نفوذ نظامی با اهرم اقتصادی و وابستگی اروپا به صادرات انرژی پیشنهاد کردند. در طول سه دهه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، دولت روسیه در مورد منابع انرژی در اروپا سیاست چماق و هویج را به کار گرفت. بزرگ‌ترین اشتباه ژئوپلیتیک اروپا این بود که همکاری انرژی خود را با روسیه تعمیق بخشید و استفاده آشکار روسیه از این رابطه ظاهراً صرفاً اقتصادی را به‌عنوان یک سلاح که بیشتر در اروپای مرکزی و شرقی قابل مشاهده بود، نادیده گرفت. (Wyrebkowski & Babinski, 2022)

در مورد نورد استریم همواره این نگرانی مطرح بود که پروژه مذکور اهداف ژئوپلیتیکی روسیه را تحت پوشش پروژه تجاری پنهان می‌کند. (Gramer & Mackinnon, 2022) از همین روی آن را به‌عنوان تهدید آشکار تلقی می‌کردند. گازی که مستقیماً از طریق دریای بالتیک از روسیه به آلمان جریان می‌یابد، اروپا را به شدت به تحویل گاز روسیه متکی خواهد کرد و افزایش اتکای اروپا به عرضه گاز روسیه به معنای افزایش نفوذ این کشور همراه با افزایش نفوذ گاز است و زمینه‌ساز فشار اقتصادی و سیاسی بر اتحادیه اروپا گردیده و ابزاری را در اختیار روسیه قرار می‌دهد که از آن علیه امنیت عرضه استفاده کند. (Urgewald group, 2022)

این نگرانی‌ها با شروع تهدیدهای روسیه برای حمله به اوکراین و به رسمیت شناختن مناطق غیردولتی استان‌های دونتسک و لوهانسک در اوکراین توسط روسیه در ۲۱ فوریه سال ۲۰۲۲ و حمله غیرقانونی در ۲۴ فوریه همان سال بیشتر و اروپا وارد بحران ژئوپلیتیکی شد که هرگز مانند آنها را در سال‌های گذشته ندیده بود. (European Council, 2022) به تبع آن پروژه‌های مشترک بین روسیه و اروپا مانند نورد استریم در لبه پرتگاه قرار گرفت و هر دو طرف کوشیدند تا از این تأسیسات به‌عنوان سلاحی بر علیه طرف دیگری استفاده کنند طوری که نورد استریم به‌عنوان محل جنگ انرژی طرفین بر علیه یکدیگر توصیف شد. (Smith & Smith, 2022)

روسیه که از عمق راهبردی نورد استریم در روابط خود با اروپا آگاه بود کوشید (Iyer, 2022) تا از خطوط لوله گاز برای تحت فشار قرار دادن کشورهای اروپایی استفاده کند و با کاهش عرضه به‌دفعات و به بهانه‌های مختلف فنی و زیرساختی و دست‌کاری قیمت‌ها

کشورهای غربی را مجبور کند تا از میزان حمایت خود از اوکراین بکاهند و به تحریم‌های اعمالی کشورهای غربی پاسخ دهد.

کشورهای غربی از جمله بریتانیا، آمریکا، اتحادیه اروپا و متحدان ناتو با هشدار به روسیه مبنی بر اینکه اقدام نظامی در اوکراین عواقب اقتصادی قابل توجهی خواهد داشت، در کنار تحریم‌های متعددی علیه این کشور، پروژه نورد استریم را به‌عنوان تحریم نهایی در نظر گرفتند.

از فوریه سال ۲۰۲۲ اتحادیه اروپا چند بسته تحریمی را علیه روسیه اعمال کرد از جمله این تحریم‌های هدفمند تحریم‌های فردی، اقتصادی و اقدامات دیپلماتیک بود. هدف از تحریم‌های اقتصادی تحمیل پیامدهای شدید بر اقدامات روسیه و خنثی کردن موثر توانایی روسیه برای ادامه تجاوز بود که از جمله آنها می‌توان به محدود کردن قابلیت صادرات روسیه به اروپا در بخش انرژی اشاره کرد. تحریم‌های فردی، افرادی را هدف قرار می‌داد که مسئول حمایت یا تأمین مالی و اجرای اقداماتی بودند که تمامیت ارضی، حاکمیت و استقلال اوکراین را تضعیف می‌کرد یا از این اقدامات متنفع می‌شدند. (European Council, 2022) در مورد نورد استریم اهتمام خویش را در جهت ایجاد مانع در مسیر عملیاتی شدن این خط لوله و به تعلیق درآوردن آن به‌کار گرفتند و این تعلیق را به‌عنوان ابزار چانه‌زنی، عامل بازدارنده در برابر جنگ اوکراین و همچنین گزینه تنبیهی در مقابل اقدامات تجاوزکارانه روسیه در نظر گرفتند. (Kirby, 2022)

به‌رغم اختلاف‌نظری که در ابتدا میان کشورهای اروپا مخصوصاً آلمان با سایر کشورها پیرامون این خطوط لوله وجود داشت (European Council, 2022)؛ طوری که این کشور نورد استریم ۲ را صرفاً به‌عنوان یک پروژه کم‌اهمیت بخش خصوصی جلوه می‌داد و می‌کوشید تا عملکرد خط لوله را از هر گونه تلاش گسترده برای جلوگیری از نقض مرزهای اوکراین متمایز و آنها را مسائل جداگانه‌ای توصیف کند. (Puglierin, 2022) اما بحران اوکراین در روند تصویب خطوط لوله گاز نورد استریم تأثیرگذار بود؛ طوری که آلمان با این استدلال که به‌دلیل تجاوز روسیه وضعیت اساساً تغییر کرده است، روند صدور مجوز خط لوله را به‌عنوان اقدام تنبیهی علیه روسیه به دلیل اقداماتش متوقف کرد (Basu, 2022). در حالی که نورد استریم تکمیل شده و فقط منتظر تأیید آلمان و کمیسیون اروپا برای عملیاتی شدن بود. این تأیید که از سوی نهادهای نظارتی آلمان صادر می‌شد بر اساس گزارشی بود که چگونگی تأثیر این خط لوله را بر امنیت انرژی بررسی می‌کرد و بعد از

اقدامات تجاوزکارانه روسیه نظر الزام‌آور اکتبر سال ۲۰۲۱ را مبنی بر اینکه نورد استریم تهدیدی برای امنیت نیست، لغو کرد. این نظر پیش شرط صدور مجوزی بود که بدون آن خط لوله نمی‌توانست عملیاتی شود.

آمریکا و نورد استریم

دولت‌های آمریکا که به دلایل مختلف از جمله تهدید امنیت انرژی همسایگان غربی روسیه به ویژه اوکراین و لهستان این تأسیسات را مورد انتقاد قرار می‌دادند و به‌عنوان سلاح باج‌گیری روسیه با آن مخالف بودند، همواره می‌کوشیدند تا به طرق مختلف مانع عملیاتی شدن این پروژه شوند. از دیدگاه آنها صدور مجوز عملیاتی شدن نورد استریم ۲ بحران‌های امنیتی متعدد، آبخاری و حاد را برای ایالات متحده، متحدان اروپایی آنها و نسل‌های آینده ایجاد می‌کند (Gaouette, 2021) از همین رو هم در دوران بایدن و هم در دوران سلف او – دونالد ترامپ – بر این مساله تأکید می‌کردند که مسیر جدید صادرات گاز، متحدان اروپایی آمریکا را بیش از حد به منابع انرژی روسیه وابسته می‌کند (Khrennikova & Shiryaevskaya, 2021) و باعث به‌خطر افتادن امنیت انرژی اتحادیه اروپا می‌شود، چرا که حدود ۸۰٪ از صادرات گاز روسیه به اروپا مستقیماً از طریق یک خط لوله به آلمان منتقل می‌شود. با ساخت نورد استریم ۲، شرکت گاز روسیه – گاز پروم – انحصار تأمین گاز اتحادیه اروپا را به دست می‌آورد و هم‌زمان، هم گاز را حمل و هم به مصرف‌کنندگان عرضه می‌کند.

از همین رو با بهره‌گیری از قوانین مختلف سعی در متوقف کردن روند عملیاتی شدن داشتند. از آن جمله بخش ۲۳۲ قانون مقابله با نفوذ روسیه در اروپا و اوراسیا در سال ۲۰۱۷ (تحریم‌هایی را برای کسانی که حداقل یک میلیون دلار سرمایه‌گذاری می‌کردند یا برای ساخت خطوط لوله صادرات انرژی روسیه، کالاها، خدمات یا حمایت‌هایی را به‌همان میزان ارائه کند) مجاز می‌کرد. علاوه بر این، قانون حفاظت از امنیت انرژی اروپا در سال ۲۰۱۹، که در سال ۲۰۲۰ اصلاح شده است. تحریم‌هایی را علیه افراد خارجی وضع می‌کرد که بر اساس تشخیص رئیس جمهوری تجهیزات کشتی را به منظور فعالیت‌های لوله‌گذاری زیردریا جهت ساخت نورد استریم و ترک استریم فروخته، اجاره و یا ارائه می‌کردند. همچنین این قانون ارائه‌دهندگان خدمات بیمه‌نامه‌ای و خدمات ارتقاء یا نصب تجهیزات را نیز هدف قرار می‌داد. بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا به‌رغم مخالفت مستمر کشورش با نورد استریم و تحریم‌های متعدد اعمالی بر علیه آن در سال ۲۰۲۱، با این استدلال که خط لوله قبل از روی کار

آمدن دولت وی کامل شده بود از تحریم‌ها علیه شرکت‌های آلمانی که در ساخت این لوله مشارکت داشتند، چشم پوشی کرد تا روابط با برلین را ترمیم کند (Gaouette, 2021). مضافاً اینکه برخی مقامات آمریکایی نیز بر این اعتقاد بودند که حتی با وجود تحریم‌های اضافی، توانایی دولت آمریکا برای جلوگیری از عملیاتی شدن خط لوله محدود است، چرا که آلمان کنترل زیادی بر این پروژه دارد. آنها همچنین نگران بودند که این تحریم‌ها می‌تواند همکاری آمریکا-آلمان، آمریکا-اروپا را در سایر زمینه‌ها از جمله مقابله با تجاوز روسیه به خطر بیاندازد. ۱

ز همین روی دولت فعلی آمریکا که علاقه‌مند به بازسازی اتحادیه‌های از هم پاشیده بود، برای جلوگیری از گسست در روابط آمریکا و آلمان و همکاری نزدیک با دیگران متحدان و شرکای اروپایی و در راستای منافع ملی، تحریم‌ها را برای روابط اروپا و آمریکا (فرا آتلانتیک) بی‌فایده تلقی می‌کرد (Mills, 2022) و برخلاف نظر برخی در آمریکا که بهترین راه برای توقف خط لوله و بازدارندگی روسیه تحریم می‌دانستند، معتقد بود که اعمال تحریم‌ها در حال حاضر به معنای از دست دادن هرگونه اثر بازدارندگی است و بنابراین نظر یکی از کارشناسان موسسه بروکینز ممکن است معادل "تیراندازی به گروگان" باشد (Kirby, 2022) تحریم‌ها علیه اپراتور خط لوله را لغو کرده و در ازای توافق با آلمان برای اقدام علیه روسیه در صورت استفاده از گاز به عنوان سلاح یا حمله به اوکراین به توافق رسیدند. به عبارت دیگر در این توافق نورد استریم ۲ هم به عنوان یک عامل بازدارنده در برابر جنگ در اوکراین و هم به عنوان یک گزینه مجازات در صورت وجود چنین تلقی می‌شد.

با وجود این، آمریکا همواره کوشیده است تا اتصال گاز روسیه به اروپا را متوقف کند یا حداقل موانع مهمی بر سر راه آن قرار دهد (Khrennikova & Shiryaevskaya, 2021) برخی از سیاستمداران اروپایی بر این اعتقادند که تحریم‌های متعدد آمریکا علیه نورد استریم، علاوه بر دلایل سیاسی - امنیتی که در سطور پیشین به آنها اشاره شد، بعد اقتصادی نیز دارد و آشکار کننده دستور کار پنهان واشنگتن است که در آن می‌کوشد کسری تجاری بزرگ آمریکا با اروپا را تعدیل کند. تحریم‌های انرژی تحمیلی روسیه به طور خودکار گاز آمریکا را برای اروپا جذاب می‌سازد و باعث می‌شود منابع انرژی این کشور مورد استقبال قرار گیرد. از همین روی دولت ترامپ در هنگام اعمال تحریم‌ها، منافع اقتصادی را در نظر داشت و امیدوار بود با کاهش دسترسی به گاز روسیه، صادرات گاز طبیعی مایع که وی آن را گاز آزادی می‌نامید به قاره اروپا افزایش یابد. با شروع خرید بیشتر گاز طبیعی مایع

آمریکا (LNG) اروپا می‌تواند به طور بالقوه تراز تجاری ترانس آتلانتیک را اصلاح کند. از سال ۲۰۱۶، تنها یک میلیارد متر مکعب LNG آمریکا به اروپا رسیده است که دو درصد از ظرفیت برنامه‌ریزی شده نورد استریم ۲ است. همچنین زمینه‌ساز تنوع بخشی به منابع انرژی اروپا از روسیه است و باعث کاهش قابل توجه قدرت چانه‌زنی گاز پروم می‌شود.

نتیجه‌گیری

روسیه در سه دهه گذشته از استقلال اوکراین همواره کوشیده است در مقابل گرایش‌های غرب‌گرایانه این کشور واکنش نشان دهد. زمانی این واکنش‌ها در قالب اقدامات سیاسی و براندازانه مانند انقلاب‌های رنگی و بحران کریمه بود و زمان دیگر این واکنش‌ها در قالب بهره‌گیری از اهرم‌های فشار اقتصادی - ژئوپلیتیکی بود که تجلی آن در ایجاد خطوط لوله دوگانه نورد استریم است. روسیه با ایجاد این تأسیسات که مسیر سنتی ترانزیت از طریق خاک اوکراین را نادیده می‌گیرد از دو جنبه به اوکراین ضربه می‌زند. از بعد اقتصادی با دور زدن این کشور و محروم کردن آن از درآمدهای عظیمی که از محل هزینه‌های ترانزیت نصیب این کشور می‌شد، منافع اقتصادی این کشور را به مخاطره انداخته و از بعد سیاسی و امنیتی عامل بازدارنده راهبردی بزرگی را که همواره مانع تشدید تهاجم روسیه علیه این کشور می‌شد را از بین می‌برد و با حذف این عامل روسیه بدون هیچ‌گونه نگرانی می‌توانست هرگونه اقدامی انجام دهد. استفاده از خطوط لوله نورد استریم به‌عنوان یک سلاح، به همین موارد محدود نشد. آن چنان که وقتی کشورهای اروپایی به‌عنوان یکی از ذی‌نفعان این پروژه با مشاهده عملیات متجاوزانه روسیه، در کنار تحریم‌های متعدد اعمالی علیه این کشور با جلوگیری از عملیاتی شدن خط لوله نورد استریم ۲ و تعلیق آن به‌عنوان تحریم نهایی درصد واکنش به اقدام روسیه و حمایت از اوکراین برآمدند. روسیه نیز در اقدامی متقابل کوشید تا از اهرم لوله برای اعمال فشار علیه کشورهای غربی استفاده کند و با کاهش عرضه به بهانه‌های مختلف مانند تعمیرات و یا انفجار در برخی مسیرهای خط لوله نورد استریم آنها را مجبور کند تا از میزان حمایت خود از اوکراین بکاهند و به تحریم‌های آنها پاسخ دهد.

فارسی

حافظنیا، محمدرضا. "مفهوم جدیدی از هارتلند". ژئوپلیتیک. دوره ۳. شماره ۸. تیر ۱۳۸۶. ص ۱-۶

لاتین

- Basu, Z. (2022, February 23). "U.S. reimposes sanctions on Nord Stream 2 over Russia's aggression". **Axios**: <https://www.axios.com/2022/02/23/nord-stream-2-sanctions-biden-russia-germany>
- Belkin, P., Ratner, M., & Welt, C. (2022, March 10). "Russia's Nord Stream 2 Natural Gas Pipeline to Germany". **Congressional Research Service**, IN FOCUS. <https://crsreports.congress.gov/>
- BERTALAN, P. (2014). "The Russian-Ukrainian Crisis And Behind, Energy Policy In The Mirror Of Eurasian Geopolitics". **Deturope – The Central European Journal Of Regional Development And Tourism**, 6(3). <https://www.deturope.eu/pdfs/det/2014/03/02.pdf>
- Brotman, A. (2022). "Ukraine and the Shifting Geopolitics of the Heartland". **Geopolitical Monitor**. <https://www.geopoliticalmonitor.com/ukraine-and-the-shifting-geopolitics-of-the-heartland/>
- Chowdhury, S. K., & Kafi, A. (2015). "The Heartland Theory Of Sir Halford John Mackinder: Justification Of Foreign Policy Of The United States And Russia In Central Asia". *Journal of Liberty and International Affairs* |, 1(2).
- Dimitrios, D. (2015, June). "The Geopolitical Dimensions of the Ukrainian Crisis". **Research Gate**. https://www.researchgate.net/publication/282007294_The_Geopolitical_Dimensions_of_the_Ukrainian_Crisis
- Ediger, V. S., Bowlus, J., & Aydin, M. (2020). "Geopolitics and Gas-Transit Security Through Pipelines". In *Book Regulations in the Energy Industry*. Springer, Switzerland. (pp. 85-106).
- European Council. (2022). "EU sanctions against Russia explained". **Council of European Union**. <https://www.consilium.europa.eu/en/policies/sanctions/restrictive-measures-against-russia-over-ukraine/sanctions-against-russia-explained/>
- eurostate. (2022, March 28). "The EU imported 58% of its energy in 2020". **European Commission**. <https://ec.europa.eu/eurostat/web/products-eurostat-news/-/ddn-20220328-2#:~:text=In%202020%2C%20the%20EU%20imported,and%2011%25%20solid%20fossil%20fuels>
- Eurostate. (2023, December). "EU imports of energy products - latest developments". **European Commission**. https://ec.europa.eu/eurostat/statistics-explained/index.php?title=EU_imports_of_energy_products_recent_developments&oldid=554503
- Fernandes, J. (2022, February 23). "Russia-Ukraine Crisis | Explained: What is Russia's controversial Nord Stream 2?" **Money Control**. <https://www.moneycontrol.com/news/business/russia-ukraine-crisis-explained-what-is-russias-controversial-nord-stream-2-8152791.html>

- Gaouette, N. (2021, November 22). "US announces new Nord Stream 2 sanctions on Russian-linked entity and a vessel". **CNN Politics**.
<https://edition.cnn.com/2021/11/22/politics/nord-stream-2-sanctions/index.html>
- Gautam, A. (2022, August 22). "The Politics of Nord Stream 2 Pipeline". **Indian Council of World Affairs**.
https://www.icwa.in/show_content.php?lang=1&level=1&ls_id=7785&lid=5192
- Gramer, R., & Mackinnon, A. (2022, January 13). "Showdown at the Nord Stream Corral: U.S. Senate strikes down sanctions bill on a Russian pipeline project that became a political lightning rod in Washington". **Foreign Policy**.
<https://foreignpolicy.com/2022/01/13/nord-stream-pipeline-russia-senate-vote/>
- Hunter, N., & Leech, J. (2022). "Bypassing Ukrainian Gas Transit "the only Goal" of Nord stream2". **S & P Global Commodity Insights**.
<https://www.spglobal.com/commodityinsights/en/market-insights/latest-news/natural-gas/112421-feature-bypassing-ukrainian-gas-transit-the-only-goal-of-nord-stream-2-vitrenko>
- Iyer, A. (2022, February 23). "Nord Stream 2: fulcrum of geopolitical debate and EU-Russia relations". **European Students Think Tank**.
<https://esthinktank.com/2022/02/23/nord-stream-2-fulcrum-of-geopolitical-debate-and-eu-russia-relations/>
- Kapoor, N. (2020, October 26). "Russia, EU and Nord Stream 2: Economics versus geopolitics". **Observer Research Foundation**. <https://www.orfonline.org/expert-speak/russia-eu-nordstream2-economics-versus-geopolitics>
- Khrennikova, D., & Shiryayevskaya, A. (2021, December 14). "Why the World Worries About Russia's Nord Stream 2 Pipeline". **Bloomberg**.
<https://www.bloomberg.com/news/articles/2021-01-20/why-the-world-frets-over-russian-nord-stream-pipeline-quicktake>
- Kirby, J. (2022). "The pipeline at the center of geopolitical drama: Nord stream 2 is looming over escalating Russian- Ukraine tensions". **VOX**.
<https://www.vox.com/22881709/nord-stream-2-russia-ukraine-germany-united-states-cruz>
- Korolev, A. (2022, Feb). "The Never-Ending Ukraine Crisis: Nothing Personal, It's Strictly Geopolitics". **Australian Institute of International Affairs**.
<https://www.internationalaffairs.org.au/australianoutlook/never-ending-ukraine-crisis-nothing-personal-strictly-geopolitics/>
- Luvсан-Ochiriyn, A. (2011). "Nord Stream: Economical and geopolitical aspects of the project". International Business Degree Thesis. **ARCADA**.
<https://www.theseus.fi/bitstream/handle/10024/31607/Nord%20Stream%20Final.pdf?sequence=1&isAllowed=y>
- Masters, J. (2023, February 17). "Ukraine: Conflict at the Crossroads of Europe and Russia". **Council of Foreign Relation**.
<https://www.cfr.org/background/ukraine-conflict-crossroads-europe-and-russia>
- Mills, C. (2022). "Geopolitical implications of Nord Stream 2". **UK Parliament House of Commons Library**. <https://commonslibrary.parliament.uk/research-briefings/cbp-9462/>
- National Security Fund. (2016). "Nord Stream 2 And Ukraine: Costs Should Decide". Analytic Report, **National Energy Security Fund of Russia**.
<http://www.energystate.ru/eng/catalog/files/Nord-Stream-2-and-Ukraine-Costs-Should-Decide.pdf>

- Puglierin, J. (2022, January 19). "Sanctions in the pipeline: Germany's troubles over Russia and Nord Stream 2". **European Council of Foreign Relations**. <https://ecfr.eu/article/sanctions-in-the-pipeline-germanys-troubles-over-russia-and-nord-stream-2/>
- Rao, S. (2021, December 10). "Intersecting Geo-economics and Geopolitics: Nord Stream 2 and Europe". **Institute for Defence Studies and Analysis(idsa)**: <https://www.idsa.in/idsacomments/intersecting-geo-economics-and-geopolitics-nord-stream-2-swastirao-101221>
- Schmitt, B. (2021, June 14). "Geopolitical weapon: Putin's pipeline nears completion". **Atlantic Council**. <https://www.atlanticcouncil.org/blogs/ukrainealert/geopolitical-weapon-putins-pipeline-nears-completion/>
- Seddon, M., Astrasheuskaya, N., & Chazan, G. (2022, February 24). "Russia shrugs off Germany's Nord Stream 2 sanctions". **Financial Times**. <https://www.ft.com/content/c3adb2c2-2dd9-471a-88c1-8155a335c954>
- Sharpe, E. (2022, January 17). "Back to the future: Putin's return to classical geopolitics". **Cherwell**. <https://cherwell.org/2022/01/17/back-to-the-future-putins-return-to-classical-geopolitics/>
- Shea, J. (2021, September 16). "Nord Stream 2 comes on stream: good business or bad geopolitics?" **Friends of Europe**. <https://www.friendsofeurope.org/insights/nord-stream-2-comes-on-stream-good-business-or-bad-geopolitics/>
- Smith, P., & Smith, A. (2022, July 21). "Energy war looms as Europe braces for Putin to reduce natural gas exports". **NBC NEWS**. <https://www.nbcnews.com/news/world/russia-ukraine-nord-stream-putin-europe-gazprom-rcna39043>
- Szymczak, P. D. (2021, June 23). "Russia To Lay Last Nord Stream 2 Pipe in August as US, Germany Seek New Role for Ukraine". **Society of Petroleum Engineers**. <https://jpt.spe.org/russia-to-lay-last-nord-stream-2-pipe-in-august-as-us-germany-seek-new-role-for-ukraine>
- Tsygankov, A. P. (2010). "The Heartland Theory and the Present-Day Geopolitical Structure of Central Eurasia". **Central Asia Caucasus**. <https://www.silkroadstudies.org/resources/pdf/Monographs/1006Rethinking-4.pdf>
- Urgewald group. (2022). "Global Oil & Gas Exit List: Nord Stream 2". **GOGLE**. gogel.org/nor-dstream-2#
- Wyrebkowski, M., & Babinski, W. (2022, October 14). "Winter is coming: Europe's huge geopolitical blunder on Russian energy". **Bulletin of Atomic Scientists**. <https://thebulletin.org/2022/10/winter-is-coming-europes-huge-geopolitical-blunder-on-russian-energy/>
- Ydreos, M. (2012). "Geopolitics and Natural Gas". Produced by Task Force 3 International Gas Union in Collaboration with Clingendael Energy Programme. **Triennium Work Report**. https://www.clingendaelenergy.com/media/pdf/uploads/Geopolitics_and_natural_gas_KL_final_report.pdf
- Zimmermann, S. (2022, February 24). "What is Nord Stream 2 and how does it link to the Russia-Ukraine crisis?" **euronews**. <https://www.euronews.com/my-europe/2022/01/24/what-is-nord-stream-2-and-how-does-it-link-to-the-russia-ukraine-crisis>